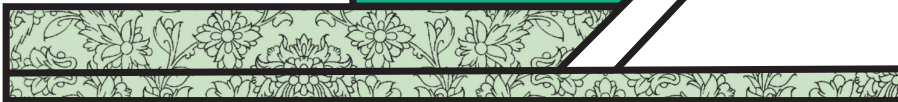


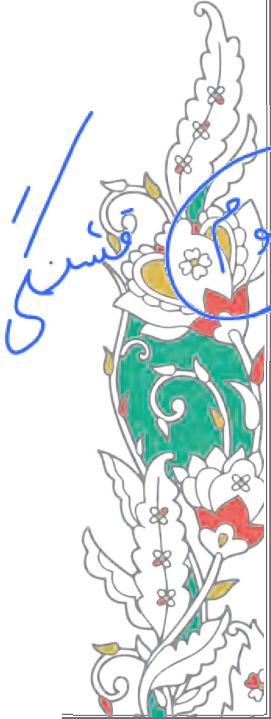
افزافه استعارای بدینند - دیم هم دارد ✓

چهارمی

درس نهم  
استعاره



در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و  
علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیر حقیقی، علاقه مشابهت است؛  
این نوع مجاز را، استعاره می گویند. استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن.  
در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل  
شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو  
طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد



کنیم، استعاره بدید آمده است؛ برای مثال: با کاروار حله برانم ز سیستان با حله تنیده ز دل بافته ز جان  
فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دو بار کلمه حله را به کار برده است. در مصراع اول حله  
در معنای حقیقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به قرینه‌های  
تنیده ز دل و بافته ز جان در معنای غیر حقیقی (شعر) به کار برده است. دلیل  
آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامه حریر و شعر بوده است.  
از سویی دیگر می توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه  
کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه به (حله) را به جای آن آورده است.

همچنین در مثال:

عشوق لاله لاله

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد

مولوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبّه به را آورده است که از آن پی به مشبّه می‌بریم.  
یا در بیت:

مهر

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی باز ای سپیده شب هجران، نیامدی

شهریار

محبوب شاعر (مشبّه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبّه به) به جای آن آمده است.

در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از بوستان اتفاق میبت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش درآویخته.

گلستان سعدی

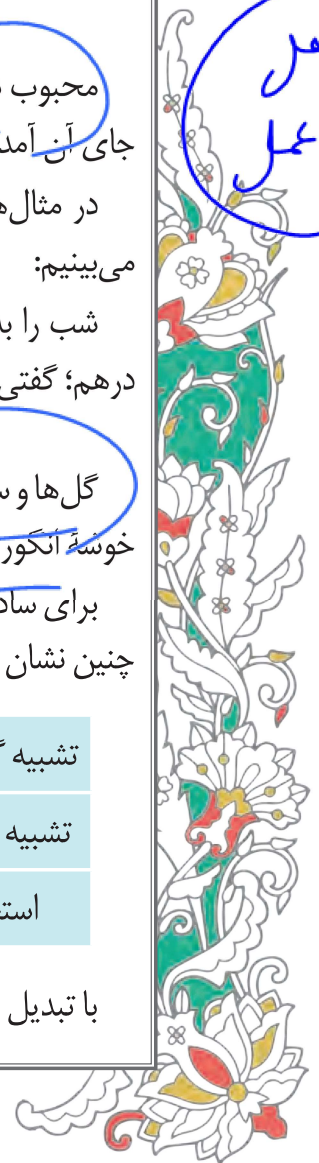
گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبّه) حذف شده و به جای آن خرده مینا آمده است. همچنین خوسه انکور (مشبّه) حذف شده و به جای آن عقد ثریا آمده است.

برای ساده‌تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهارگانه آن به استعاره را می‌توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبّه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبّه به
تشبیه فشرده	مشبّه	مشبّه به		
استعاره	مشبّه به / مشبّه + ویژگی مشبّه به			

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک

ای  
فعل  
با عمل



رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبّه و مشبّه‌به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبّه‌به باقی بماند، به آن **استعاره آشکار (مصرحه)** و اگر مشبّه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبّه‌به بیاید، **استعاره پنهان (مکنیه)** می‌گویند. به این نمونه دقت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نظامی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره آشکار از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» هستند. مثال دیگر:

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سعدی

سرو روان: استعاره از یار اسب.  
به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند.

شاملو

همان‌طور که در جدول ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبّه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبّه‌به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه را نبود یکی چنان که در آیین تصویر ماست

انوری

زمانه (مشبّه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبّه آمده است.

نرگس

حسبم

ای  
فصل



گاه در استعاره پنهان، مشبه موجودی بی جان و غیر انسان و مشبه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش **جان بخشی یا تشخیص** در کلام می شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد  
 در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می کند و سرو مانند انسان قیام می کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند.

مثال دیگر: **ای** **عقل** **افراضا سهاری**  
 نفس باد صبا بشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده ایم؛ این نیز تشخیص است؛ مثال:

**ای** آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده زانده کیستی؟  
 زیبا النساء

**ای** نسیم سحر آماگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟  
 حافظ

**ای** سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده ام  
 رهی معیری

بشکن دل بی نوای ما را **ای** عشق این ساز، شکسته اش خوش آهنگ تراست  
 سید حسن حسینی

گاه نیز مشبه به حذف می شود و یک ویژگی از آن به مشبه اضافه می شود و به صورت ترکیب اضافی می آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری می گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «زلف سخن» در بیت زیر چنین اند:

کس چو حافظ نگشاد **رخ اندیشه** آفتاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند  
 حافظ

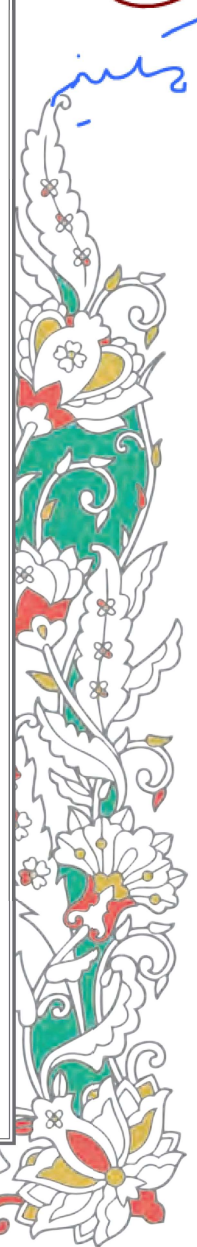
**ای** **عقل** **افراضا سهاری**

اندیشه ای داشته انسان رخ داد لک لک

ای

عقل

افراضا سهاری





## خودارزیابی

۱ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

الف) کی‌ام؟ شکوفه‌اشکی که در هوای تو هر شب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم

اوستا

ب) ای باد بامدادی جوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

سعدي

پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

وحشی بافقی

ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید، در رهگذار باد نگهبان لاله بود

حافظ

ث) شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره من

سپهری

ج) آیینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟ زانکه زنگار از رخسار ممتاز نیست

مولانا

چ) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

حافظ

خود پسر ← مهره

۲ تشبیه بیت زیر را بیابید و از آن یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید:

دگر باره خیاط باد صبا بر اندام گل‌دوخت رنگین قبا

ملک الشعرای بهار

مین

مین

مهره

مین

مین

دل

استعاره مهره



۳ استعاره‌های آشکار را در بیت زیر بیابید و آنها را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشایید      ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید

خاقانی

۴ ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن و واژه‌های بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی خبریم      اول و آخرین کهنه کتاب افتاده است

حسب

اشکر

